

بررسی یکی از کهن ترین نسخه های خطی غزلیاتی از حافظ (جنگ «معروف بغدادی»)

جواد بشری

تقدیم به استاد سلیم نیساری

بخش مهمی از عمر نسبتاً طولانی پژوهش های حافظ شناسی در ایران به تتبع در نسخه های خطی دیوان حافظ اختصاص یافته است. از نظر تاریخی، یکی از نخستین کارها در این زمینه را مرحوم قزوینی با انتشار دیوان حافظ در سال ۱۳۲۰ شمسی - پس از چاپ مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی در ۱۳۰۶ - به نام خود ثبت کرد. از آن پس، کارهای بسیاری در این عرصه انجام گرفت و منتشر شد که تنها شماری از آنها اثری تعیین کننده داشت. کار دکتر سلیم نیساری از جمله مهم ترین آنهاست. اما انتشار نتیجه پژوهش های ایشان ناتمام مانده است. اخیراً اطلاع یافتم که تحقیق استاد در شرف آن است که به نتیجه نهایی برسد و بنا بر آن است که دفتر دیگر سانیها در غزل های حافظ به تمامی و با استفاده از نسخه هایی دیگر منتشر شود. همین خبر انگیزه نگارش این مقاله شد، که در آن نسخه ای کهن حاوی شماری از غزل های حافظ معرفی می شود.

کامل ترین گزارش از شمار و چگونگی نسخه های خطی قرن نهم هجری دیوان حافظ را در نسخه های خطی حافظ (سده نهم) می یابیم.^۱ بنا بر این گزارش، ۴۸ نسخه قرن نهم (که ۴۳

(۱) نیساری، سلیم، نسخه های خطی حافظ (سده نهم)، مرکز حافظ شناسی، شیراز، ۱۳۸۰.

نسخه آن تاریخ کتابت دارد) در تصحیح دیوان حافظ در اختیار دکتر نیساری قرار دارد. از میان نسخه‌هایی هم که دور از دسترس استاد مانده، تنها نسخه کتابخانه خدابخش در پتنه هندوستان است که در نیمه اول قرن نهم هجری کتابت شده، بقیه در نیمه دوم این قرن استنساخ شده‌اند. بدین سان، در موقعیتی استثنائی و بی سابقه، مواد خام تصحیح دیوان حافظ، در بهترین شرایط، در اختیار فردی دقیق و امانت‌دار قرار گرفته و کار تا این مرحله، یعنی عرضه نسخه‌بدل‌های این ۴۸ نسخه، در شرف پایان یافتن است.^۲

(۲) درباره تصحیح استاد نیساری از دیوان حافظ - که نخست غزل‌های آن در جلد اول کار منتشر شد - محمدمامین ریاحی گوید: «اینک این آرزو [آرزوی چاپ نهایی] در حد امکان به حصول پیوسته و آقای دکتر سلیم نیساری غزل‌های حافظ را با مقابله دقیق ۴۳ دستنویس قرن نهمی (۳۳ نسخه کامل و ده نسخه ناقص یا منتخب)، که در نخستین صد سال پس از حافظ کتابت شده، مقابله و تدوین کرده و در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسانیده‌اند. این نسخه ۴۲۶ غزل دارد، غزل‌های مدحی و سایر اشعار را به جلد دوم واگذاشته‌اند...» (گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، چاپ دوم، علمی، تهران ۱۳۷۴، ص ۵۴۵). پس از این و با افزوده شدن بر شمار نسخه‌های خطی قرن نهم، توضیحات استاد نیساری در مصاحبه‌ای با نامه فرهنگستان انعکاس یافت و مزده چاپ تمام دیوان حافظ (غزلیات و اشعار دیگر) داده شد («چاپ تازه‌ای از دیوان حافظ»، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره چهارم (مسلسل ۱۲)، زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۴۳-۱۴۵). به دنبال این مزده، در سال بعد، دیوان حافظ بر اساس چهل و هشت نسخه خطی سده نهم (دو جلد در یک مجلد) منتشر شد. این چاپ، که فاقد نسخه‌بدل‌هاست، با درج نسخه‌بدل‌ها و آراء انتقادی مصحح محترم، فرار است در مجلّدات جداگانه‌ای تکمیل شود. در این شرایط، نگارنده این سطور بر آن شد چند نسخه دیگر از دیوان حافظ را که در قرن نهم هجری کتابت شده‌اند معرفی کند. بیشتر این نسخه‌ها در کتابخانه‌های ایران محفوظ است و امیدوارم دستیابی استاد به آنها به راحتی میسر گردد:

الف) نسخه شماره ۱۰۳۹۹ کتابخانه آستان قدس رضوی با عنوان مجموعه الاشعار. این نسخه گویا هنوز به تمامی معرفی نشده و تنها در فهرست الفبائی آستان قدس با عنوان مذکور و بدون توضیح دیگری از آن یاد شده است («اصف فکرت، محمد، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹، ص ۴۹۸). در بهار ۱۳۸۴ شمسی، میکروفیلم این نسخه را در کتابخانه مذکور دیدم و از وجود اشعار حافظ در آن باخبر شدم. این نسخه، که در مرداد ماه ۱۳۴۹ شمسی خریداری شده، در ۸۳۳ هجری به خط «محمود الجعفری» کتابت شده و ۲۲۲ برگ دارد. در این نسخه، از شعرای زیر اشعاری آمده است: عطار، جلال‌الدین رومی، عراقی، اوحدی، عتیقی، امیر حسینی، نزاری، سعدی، خاقانی، جلال‌الدین عسجد، جلال طیب، جلال خوافی، همام تبریزی، خواجو، سلمان، عماد، امیرخسرو، حسن دهلوی، کمال خجندی، حافظ شیرازی، بساطی، ناصری (ناصر بخارایی)، امیر قاسم، حافظ سعد، عصمت، کاتبی، ابن عماد، آذری، شاهی، شهاب، و ابن یمن.

ب) نسخه شماره P.C.1355/56Per در کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی جمهوری چک، پراگ. این نسخه، که ۳۰۰ صفحه دارد، در ۸۳۶ هجری به خط «نورالحسینی» کتابت شده که از طریق چاپ فهرست نسخه‌های فارسی این کتابخانه از آن باخبریم («مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی جمهوری چک، پراگ، کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم ۱۳۸۳،

در این مقاله، بر آنم که نسخه خطی کهنی از اشعار شاعران پارسی‌گو را معرفی و اشعار حافظ را که در آن درج شده بررسی کنم تا در کار آینده استاد لحاظ شود.

مشخصات نسخه و سابقه معرفی آن

این نسخه، که به «جنگ معروف بغدادی» شهرت یافته، در کتابخانه کاخ ملی گلستان (سلطنتی سابق) به شماره ۲۱۸۴ نگهداری می‌شود.^۳ نخستین بار مرحوم مهدی بیانی در

→ ص ۱۷۸-۱۸۰. فهرست‌نگار محترم انجامه نسخه را به درستی نخوانده و از ارزش آن غافل مانده ولی خوشبختانه تصویری از صفحه آخر نسخه در اختیار گذاشته که باید از او سپاسگزار بود.

ج) نسخه شماره ۱۰۰۹۳ کتابخانه گنج بخش پاکستان. این نسخه مورخ ۸۵۵ هجری است و ۵۱۲ صفحه دارد. درباره آن دیگر هیچ نمی‌دانیم (← تسیبجی، محمدحسین، فهرست الفبائی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و اس. تی. برنترز، اسلام‌آباد ۱۳۷۸، ص ۲۲۳). خوشبختانه از این نسخه میکروفیلم هم تهیه شده است.

د) نسخه شماره ۵۷۱۲ کتابخانه آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره). این نسخه، در واقع، جنگی است از اشعار سرایندگان پارسی‌گو تا نیمه قرن نهم هجری که مونس‌العشاق و نحة‌الآفاق نام دارد. گردآورنده جنگ که از مردم فونیه است نام خود (سلیمان الفونوی) و تاریخ کتابت (۸۶۰ هجری) را در صفحه دوم آن، که صفحه‌ای مزین و مذهب است، آورده است. با بررسی مروری جنگ، ۳۴ غزل حافظ را، که پراکنده‌وار در کل کتاب آمده، یافتیم. (برای آگاهی اجمالی از نام شعرای این جنگ ← حسینی، سید احمد، زیر نظر سید محمود مرعشی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله‌العظمی نجفی مرعشی، کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ج ۱۵، قم ۱۳۶۷، ص ۱۱۲-۱۱۳).

ه) نسخه کتابخانه نوش‌آفرین انصاری (محقق). از وجود این نسخه، که به گفته استاد ایرج افشار «ظاهراً مورخ ۸۸۰ هجری است، از طریق مقاله استاد افشار در میراث اسلامی ایران (به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، ج ۵، قم ۱۳۷۶، ص ۶۲۷) آگاه شدم.

و) نسخه شماره ۱۱۰۵۰-موقت» کتابخانه آیه‌الله‌العظمی مرعشی - قم. در متن این نسخه، «دیوان قاسمی» قرار دارد و، در هامش آن، اشعار حافظ شیرازی. تاریخ کتابت نسخه شنبه ۱۷ شعبان سال ۸۸۷ هجری است. از وجود این نسخه از طریق گزارش مفید آقای مرعشی مطلع شدم (← مرعشی نجفی، سید محمود، «نسخه‌های جدید گزیده‌ای از نسخه‌های نفیس خریداری شده یا اهدایی»، میراث شهاب، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۴).

ز) نسخه شماره ۲۳ کتابخانه صدوقی یزدی در یزد. این نسخه تاریخ کتابت ندارد و فهرست‌نگار آنچه را در پایان نسخه به عنوان تاریخ کتابت (۸۴۲ هجری) آمده «نویس» دانسته است. ایشان تاریخ کتابت نسخه را قرن نهم هجری تشخیص داده‌اند (← حسینی اشکوری، سید احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه صدوقی یزدی (یزد - ایران)، مجمع ذخایر اسلامی، قم ۱۳۸۳، ص ۱۹؛ و تصویر نسخه که در پایان فهرست آمده است).

۳) درباره آن ← آتابای، بدری، فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزار و یک شب، ج ۲، تهران ۱۳۵۵، ص ۱۰۸۴-۱۰۸۷. شماره قدیم این نسخه در کتابخانه یاد شده ۶۴۴ بود (← بیانی، مهدی، فهرست ناتمام تعدادی از کتب کتابخانه سلطنتی، بی تا، ص ۵۸۴-۵۸۷). گفتنی است که این نسخه را نباید با نسخه کهن بدون تاریخ

فهرست کتابخانه سلطنتی، که به فهرست ناتمام مشهور است، و نیز در مقاله‌ای جداگانه که در نشریه نسخه‌های خطی (دفتر هفتم) به چاپ رسید، کلّ جنگ را در بررسی مختصری معرفی کرد.^۴ در بررسی بیانی - هرچند سودمند بود - بیشتر از کاتب جنگ (معروف بغدادی) سخن رفته و از شعرای مندرج در جنگ به ذکر نام اکتفا شده است. در واقع، مقاله بیانی صورت تفصیل یافته یادداشت‌های او بود درباره این جنگ که برای دو کتاب فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی و احوال و آثار خوشنویسان فراهم آورده بود.

مرحوم سعید نفیسی، محقق پرتلاش ایرانی که در حوزه بررسی جنگ‌های شعری مطالعات ایرانیان را به سطح پیشرفته‌ای ارتقا داد، در تاریخ نظم و نثر فارسی خود از این جنگ یاد و نام سرایندهگان اشعار مندرج در آن را - گویا از طریق نوشته‌های مرحوم بیانی - در آن وارد کرد.

از آن پس، از این جنگ در مطالعات شعرشناسی و نیز مباحث هنری نسخه‌های شرقی، از جهت درجه بالای هنری آن، یاد شده است.^۵ اما نکته‌ای که عجالتاً به آن اشاره می‌کنم اشتباهی است که در نوشته‌های مرحوم بیانی و کسانی که از این جنگ، به نقل از بیانی، ذکری داشته‌اند راه یافته است. آنان این نسخه را شامل دو مجموعه دانسته‌اند: یکی در توحید، نعوت، منقبت، ترجیعات، قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات، معنیات و مفردات؛ دیگری مجموعه‌ای به نام کنز اللالی که خود در ابوابی بر حسب موضوع مرتب شده است. اما حقیقت آن است که این جنگ یک مجموعه است و از بخش نخست (در «توحید») تا بخش آخر (به نام «کنز اللالی») همه یک کلّ واحد است و در یک فاصله زمانی شکل گرفته و به کتابت درآمده است نه اینکه بخش اول را معروف بغدادی در زمانی و بخش دوم را در زمانی دیگر کتابت کرده باشد. تذهبیات و

→ دیگری که شامل چند غزل حافظ است و اشعار حافظ آن را خانم آتابای چاپ عکسی کرد یکی گرفت. درباره آن نسخه که به شماره ۲۱۲۵ در کتابخانه کاخ ملی گلستان (سلطنتی) محفوظ است - آتابای، همان، ج ۲، ص ۱۱۶۲-۱۱۶۴؛ چند غزل اصیل از دیوان خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی حافظ. به اهتمام بدری آتابای (معاون کتابخانه سلطنتی)، تاریخ مقدمه: مهرماه ۱۳۴۴.

(۴) بیانی، مهدی، «یک مجموعه اشعار فارسی ناشناخته از قرن هشتم هجری»، نشریه نسخه‌های خطی: زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، دفتر هفتم، ۱۳۵۳، ص ۶۷۵-۶۸۳؛ همو، احوال و آثار خوشنویسان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۸، جلد سوم: نستعلیق نویسان، ص ۹۱۳-۹۱۵.

(۵) میرافضلی، سید علی، رباعیات خیام در منابع کهن، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۲، ص ۱۲۴؛ حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۵، ص ۵۲۴-۵۲۵.

آرایش‌های تمام جنگ و خط آن و به طور کلی ظاهر آن تعلق تمام جنگ را به یک دوره کوتاه زمانی نشان می‌دهد. جالب است بدانیم که معروف این جنگ را در زمانی نه‌چندان طولانی کتابت کرده برخلاف ظاهر بسیار آراسته آن که شاید در ذهن این تصور را قوت بخشد که زمان زیادی برای کتابت جنگی به این آراستگی صرف شده باشد. معروف کلاً کاتب خوش خط و البته تندنویسی بوده^۶ و این مجموعه را به سرعت کتابت کرده است. مستند من در این نکته یادداشت خود معروف است که در پایان بخش «معنیات» می‌نویسد: کتبه العبد الضعیف علی سبیل الاستعجال المحتاج الی عفو ربه الزؤوف معروف احسن الله حاله و الحمد لله رب العالمین. تم.

هرچند معروف بغدادی نسخه‌های بسیاری از اشعار شعرای فارسی را کتابت کرده، اکنون فقط و فقط همین یک مجموعه را از او می‌شناسیم. میرزا سنگلاخ، در امتحان الفضلا، از حدود سیزده نسخه به خط معروف یاد کرده^۷ که عجالتاً هیچ اطلاعی از آنها نداریم. نکته بسیار پراهمیت درباره جنگ کتابخانه گلستان تاریخ کتابت آن است. با بررسی تمامی اوراق جنگ، هیچ نکته‌ای افزون بر احتمالاتی که مرحوم بیانی عرضه داشته بود نیافتیم. قراین موجود برای کشف تاریخ کتابت این جنگ یکی آن است که می‌دانیم معروف بغدادی در ۸۳۰ هجری در زندان تیموریان درگذشته است. پس بی شک این جنگ پیش از ۸۳۰ هجری تدوین و کتابت شده است. نکته دیگر عنوان غزلی است از سلطان احمد جلایری که در صفحه ۶۹ جنگ آمده: من کلام سلطان احمد بغدادی خلد الله ملکه. این جمله، که در مورد اشعار دیگر سلطان احمد در جنگ تکرار نشده، در تحدید زمان کتابت جنگ گره‌گشااست و حداقل تا هفده سال، یعنی تا ۸۱۳ هجری که سال قتل سلطان احمد است، زمان کتابت را به عقب می‌برد. پس این جنگ قبل از ۸۱۳ هجری کتابت شده است.

آیا جز اینها قراین دیگری برای تعیین تاریخ دقیق‌تر کتابت جنگ وجود دارد؟ متأسفانه پاسخ منفی است. فقط قراین تاریخی است که این بار به ما کمک می‌کند. به نوشته بیانی،

باید هنگامی معروف شروع به کتابت نسخه کرده باشد که سلطان احمد در بغداد مستقر و متمکن بوده باشد یعنی بین سنوات ۷۸۴ و ۷۸۸ که بر آذربایجان و عراق حکومت می‌کرد؛ یا

(۶) ماجرای کتابت ۱۵۰۰ بیت او را در یک روز بیشتر منابعی که به احوال او اشاره کرده‌اند آورده‌اند.

(۷) به نقل از بیانی، شیرین، تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳۴۹.

میان سال‌های ۷۸۸ و ۷۹۵ که امیر تیمور آذربایجان را از چنگ سلطان احمد بیرون آورده بود و فقط سلطان احمد در عراق حکومت داشت.^۸

پس تا اینجا می‌توان حدس زد که جُنْگ معروف بغدادی، به احتمال فراوان، قبل از ۷۹۵ هجری کتابت شده است. اما مشکل پنج مینیاتوری است که در بین برگ‌های جُنْگ به دقت صحافی شده و گویی از آغاز جزوی از جُنْگ بوده است. در طرف دیگر این اوراق، اشعاری در قالب مثنوی کتابت شده که، بنا بر حدس صایب مرحوم بیانی، همگی بالاتفاق در وصف اسکندر میرزا تیموری است و، از قضا، تصویر نگاره‌های پشت آن برگ‌ها متناسب است با موضوعی که در مثنوی‌های یادشده به نظم درآمده است. بیانی در این مورد حدس زده است که معروف این جُنْگ را، که در دستگاه سلطان احمد جلایری تدوین شده، شاید به علت پریشانی احوال حکومت او، به او تقدیم نکرده و نزد خود داشته تا زمانی که به دستگاه اسکندر میرزا تیموری راه یافته است. در این وقت است که پنج نگاره یادشده به همراه اشعار مثنوی آنها - که به حدس بیانی سروده خود معروف است - در لابه‌لای برگ‌های جُنْگ قرار می‌گیرد تا در تقدیم آن به اسکندر میرزا مطالبی درباره او را در بر داشته باشد. به هر روی، آرایش تذهیبی اوراق این پنج برگ همچنین نوع خط و نیز قلم آنها همگی حاکی از آن است که در روزگاری دیگر تنظیم و به نسخه الحاق شده‌اند.

هرچند با حدسیات بیانی موافقم و اذعان می‌کنم که چیزی جز این نتوانستم از مطالب جُنْگ به دست آورم، باز هم احتمالی دورتر را مطرح می‌کنم و آن اینکه، حتی اگر این جُنْگ در دستگاه اسکندر میرزا تیموری تدوین نهایی شده باشد، کتابت آن از سال ۸۱۷ هجری جلوتر نخواهد آمد - سالی که بساط حکمرانی اسکندر میرزا به دست شاهرخ تیموری برجیده شد.

اشعار حافظ در جُنْگ معروف بغدادی

بیانی، در اثنای مقاله خود در نشریه نسخه‌های خطی، وعده چاپ جداگانه اشعار حافظ را بر اساس همین نسخه داده بود^۹ - شبیه کاری که پیش از او یک بار خانلری انجام داده و اشعار حافظ را در جُنْگ موزه بریتانیا، اگرچه ناتمام (تنها ۱۵۲ غزل)، جداگانه منتشر

کرده بود؛ اما، به هر دلیلی، این کار انجام نشد. از این رو، بر آن شدم که اختلاف غزل‌های حافظ را در این جنگ با چاپ نیساری (چاپ سال ۱۳۷۷) عرضه کنم تا، در شرایط موجود که چاپ جداگانه این غزل‌ها - در روزگاری که چاپ‌های تک‌نسخه‌ای بعضاً منسوخ شده است - میسر نیست، محققان از فواید این نسخه، که شاید قدیم‌ترین نسخه خطی حافظ باشد^{۱۰}، محروم نمانند.

در بخش غزلیات این جنگ، ۱۱۶ غزل از حافظ (۱۱۵ غزل غیرمکرر) به دنبال هم آمده است که در ادامه مقاله به آنها خواهم پرداخت. اما، پیش از آن، دو بیت حافظ را که در بخش پایانی جنگ - جنگی موضوعی به نام کتراللاتالی - آمده نقل می‌کنم:

ص ۷۸۴: باب در صفت چشم و روی ... حافظ:

چشم بغمزه خانه مردم خراب کرد مخموریت مباد که خوش مست می‌روی

ص ۷۹۸: باب در صفت عارض و زنخدان ... حافظ:

عارضت را بمثل ماه فلک نتوان گفت نسبت بار بهر بی‌سر و پا نتوان کرد

در بررسی غزل‌های حافظ در این نسخه و عرضه آنها، چند نکته را متذکر می‌شوم. هرچند نظم نسخه‌های کهن دیوان حافظ الفبائی است و این نسخه‌ها در این نظم با هم اختلافاتی بی‌اهمیت دارند، به لحاظ عرضه تصویری دقیق از ترتیب غزل‌ها در جنگ، مطلع غزل‌های این نسخه را به همان ترتیبی که در آن آمده‌اند آورده‌ام و، برای سهولت بیشتر در بازیابی غزل‌ها در دیوان چاپی حافظ، شماره غزل‌ها در تصحیح نیساری (چاپ ۱۳۷۷) را مقابل مطلع غزل نقل کرده‌ام. سپس، اختلاف نسخه جنگ را با چاپ نیساری، ذیل شماره غزل‌ها در همین چاپ نیساری و بدون رعایت ترتیب غزل‌ها در نسخه معروف بغدادی، آورده‌ام. اختلاف در توالی ابیات را نیز، در هر مورد که وجود داشت، پس از شماره غزل ذکر کرده‌ام. ضمناً نخستین غزل این بخش از جنگ ذیل عنوان حافظ شیرازی و باقی غزل‌ها ذیل عنوان و ایضاً له آمده است.

۱۰ حتی قدیمی‌تر از نسخه مورخ ۸۰۳ هجری که، در سال‌های اخیر، اساس چاپی جداگانه قرار گرفته و شاید حتی کهن‌تر از نسخه مورخ ۷۹۱ هجری که در هندوستان است و گویا آقای خرمشاهی مشغول بررسی آن بوده است (← دیوان حافظ، قرائت‌گزینی انتقادی، به کوشش هاشم جاوید و بهاء‌الدین خرمشاهی، فرزانه، تهران ۱۳۷۸، ص یازده).

غلط‌های کتابتی را عیناً نقل کرده‌ام؛ فقط با افزودن [کذا] آنها را متمایز ساخته‌ام. در سه چهار مورد، نقطه‌های اضافی و نادرستی را که روی شماری کلمات بود نادیده گرفتم. در مقایسه این نسخه با چاپ نیساری، برخی اغماض‌های دیگر هم روا داشته‌ام. مثلاً از ذکر نیامدن «ء» (= ای) در پایان برخی واژه‌ها خودداری کردم. همچنین، در چندین مورد، صورت‌های دوگانه «آینه» و «آئینه» به جای هم آمده که از ذکر آن چشم پوشیدم. غزلیات حافظ در این نسخه از صفحه ۵۶۵ تا صفحه ۶۱۳ آمده است. متن نسخه کلاً کم نقطه و در برخی موارد حتی بی نقطه است. «گ»ها بدون سرکش است. زیر بسیاری از «ی»های پایانی دو نقطه گذاشته شده است. در بسیاری مواقع، زیر «س» کشیده سه نقطه گذاشته شده است. روی برخی «الف»های میان کلمات علامت مدّ دیده می‌شود (مثل دآرد). در کل، تمام تلاش من بر این بوده که اختلافات به دقت نشان داده شود. پیش از وارد شدن به بخش مطلع غزل‌ها و سپس بیان اختلاف ضبط‌ها، این مزده را به خوانندگان محترم می‌دهم که بر روی این جُنگ مطالعات دیگری هم انجام داده‌ام که امیدوارم به زودی منتشر شود.

مقایسه ترتیب غزل‌ها در جُنگ و چاپ نیساری^{۱۱}

- | | |
|---|--|
| (۱) ساقی بنور باده برافروز جام ما | (۱) مطرب بگو که کار جهان شد بنام ما (۱۰) |
| (۲) صلاح کار کجا و من خراب کجا | (۲) به بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا (۲) |
| (۳) صوفی بیا که آینه صافیست جام را | (۳) تا بنگری صفای می لعل فام را (۷) |
| (۴) رونق عهد شبابست دگر بستانرا | (۴) می‌رسد مزده گل بلبل خوش‌الحانرا (۹) |
| (۵) دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را | (۵) دردا که درد پنهان خواهد شد آشکارا (۳) |
| (۶) اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را | (۶) بخال هندوش بخشم سمرقند و بخارا ^{۱۲} (۵) |
| (۷) ساقیا بر خیز و درده جام را | (۷) خاک بر سر کن غم ایام را (۸) |
| (۸) دل سرراپرده محبت اوست | (۸) دیده آئینه‌دار طلعت اوست (۵۰) |
| (۹) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست | (۹) که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست (۵۲) |

(۱۱) عدد آغاز بیت شماره ترتیب جُنگ است و عدد پایان بیت شماره ترتیب چاپ نیساری. در رسم الخط نسخه تغییری داده نشده است.

(۱۲) کذا با افتادگی «را» بعد از «بخارا»

- (۱۰) آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست
 (۱۱) آن پیک نامور که رسید از دیار دوست
 (۱۲) بیا که قصرامل سخت سست بنیادست
 (۱۳) ما را ز خیال نو چه پروای شرابست
 (۱۴) کنون که بر کف گل جام باده صافست
 (۱۵) تا سر زلف تو در دست نسیم افتادست
 (۱۶) جز آستان تو در جهان پناهی نیست
 (۱۷) کس نیست که افتاده آن زلف دو تا نیست
 (۱۸) مردم دیده ما جز برخت ناظر نیست
 (۱۹) باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبرست
 (۲۰) خلوت گزیده را بتماشا چه حاجتست
 (۲۱) بی مهر رخت روز مرا نور نماندست
 (۲۲) درین زمانه رفیقی که خالی از خللست
 (۲۳) منم که گوشه میخانه خانقاه منست
 (۲۴) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
 (۲۵) مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
 (۲۶) سخن شناس نه دلبر [۱] خطا اینجاست
 (۲۷) خم زلف تو دام کفر و دینست
 (۲۸) بکوی میکده هر سالکی که ره دانست
 (۲۹) روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست
 (۳۰) حال دل با تو گفتم هوسست
 (۳۱) رواق منظر چشم من آستانه تست
 (۳۲) بلبل برگی خوش‌بوی در منقار داشت
 (۳۳) خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
 (۳۴) ز گریه مردم چشمم نشسته در خونست
 (۳۵) دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت
 (۳۶) حسنت با اتفاق ملاحظت جهان گرفت
 (۳۷) ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
 (۳۸) ای هدهد صبا بسبا می فرستمت
 (۳۹) ای غایب از نظر بخدا می سپارمت
 چشم میگون لب خندان رخ خرم با اوست (۴۹)
 و آورد بوی جان ز خط مشکبار دوست (۵۳)
 بیار باده که بنیاد عمر بر بادست (۲۵)
 خم گو سر خود گیر که خم‌خانه خرابست (۲۲)
 بصد هزار زبان بلبلش در اوصافست (۲۹)
 دل سودازده از غصه دو نیم افتادست (۳۸)
 سر مرا بجز این در حواله گاهی نیست (۶۸)
 در ره گذر کیست که دامی ز بلا نیست (۶۲)
 دل سرگشته ما غیر ترا ذاکر نیست (۶۳)
 شمشاد خانه پرور من از که کمترست (۲۶)
 چون کوی دوست هست بصحرا چه حاجتست (۲۴)
 وز عمر مرا جز شب دیجور نماندست (۳۹)
 صراحی می ناب و سفینه غزلست (۳۰)
 دعای پیر مغان ورد صبح‌گاه منست (۳۶)
 منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست (۱۸)
 که به پیمان‌شکنی شهره شدم روز الست (۴۵)
 چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست (۲۰)
 ز کارستان او یک شمه اینست
 (ز ۳-ص ۵۳۰)
 دری دگر زدن اندیشه تبه دانست (۴۷)
 در غنچه هنوز و صدت عندلیب هست (۵۶)
 خیر دل نهفتم هوس است (۴۲۷)
 در دراکه فرود آ که خانه خانه تست (۵۱)
 و اندران برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت (۶۹)
 بقصد خون من زار ناتوان انداخت (۱۵)
 به بین که در طلبت حال مردمان چونست (۳۷)
 بشکست عهد و از دل ما هیچ غم نداشت (۷۰)
 آری با اتفاق جهان می توان گرفت (۷۸)
 کار چراغ خلوتیان باز در گرفت (۷۷)
 بنگر که از کجا بکجا می فرستمت (۸۲)
 جانم بسوختی و بجان دوست دارمت (۸۳)

- (۴۰) ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
 (۴۱) زان یار دلنوازم شکرست با شکایت
 (۴۲) شنیده‌ام سخنی خوش که پیرکنعان گفت
 (۴۳) صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت
 (۴۴) روزگاریست که سودای بتان دین منست
 (۴۵) زلفت هزار دل بیکی تار مو بیست
 (۴۶) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست
 (۴۷) ماهم این هفته شد از شهر و بچشم سالیست
 (۴۸) یارب این شمع دلفروز ز کاشانه کیست
 (۴۹) بنال بلبل اگر با منت سر یاریست
 (۵۰) اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادیست
 (۵۱) عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت
 (۵۲) آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست
 (۵۳) دیدی ای دل که غم عشق دگر بار چه کرد
 (۵۴) سحر بلبل حکایت با صبا کرد
 (۵۵) چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد
 (۵۶) سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
 (۵۷) بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
 (۵۸) دل از من برد و روی از من نهان کرد
 (۵۹) دست در حلقه آن زلف تو تا نتوان کرد
 (۶۰) دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند
 (۶۱) آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند
 (۶۲) شاهدان گر دلبری زین سان کنند
 (۶۳) دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
 (۶۴) دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
 (۶۵) باشد ای دل که در میکدها بگشایند
 (۶۶) رسیده مزده که ایام غم نخواهد ماند
 (۶۷) غلام نرگس مست تو تاج‌دارانند
 (۶۸) چه مستی است ندانم که رو بما آورد
 (۶۹) حسب حالی نوشتی و شد ایامی چند
 (۷۰) صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
- وی مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت (۱۴)
 گر نکنه‌دان عشقی خوش بشنو این حکایت (۸۵)
 فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت (۷۹)
 ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت (۸۰)
 غم این کار نشاط دل غمگین منست (۳۵)
 راه هزار چاره [گر] از چارسو بیست (۴۰)
 گشاد کار من اندر کوشمهای تو بست (۴۱)
 حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالیت (۶۱)
 جان ما سوخت پیرسید که جانانه کیست (۶۰)
 که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاریست (۵۹)
 زیان خموش ولیکن دهان پر از عرییست (۵۷)
 که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت (۷۱)
 چشم میگون لب خندان رخ خرم با اوست (۴۹) (مکژر)
 چون بشد دلبر و با یار وفادار چه کرد (۱۲۰)
 که عشق روی گل با ما چها کرد (۱۱۲)
 نفس بیوی خویشش مشکبار خواهم کرد (۱۱۷)
 وانچه خورد داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد (۱۲۶)
 هلال عید بدور قرح اشارت کرد (۱۱۳)
 خدا را با که این بازی توان کرد (۱۱۹)
 تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد (۱۱۸)
 پنهان خورید باده که تکفیر می‌کنند (۱۷۷)
 آیا بود که گوشه چشمی بما کنند (۱۷۳)
 زاهدانرا رخنه در ایمان کنند (۱۷۵)
 گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند (۱۶۱)
 و ندران ظلمت شب آب حیاتم دادند (۱۶۰)
 گره از کار فرو بسته ما بگشایند (۱۷۹)
 چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماند (۱۵۷)
 خراب باده لعسل تو هوشیارانند (۱۷۰)
 که بود ساقی و این باده از کجا آورد (۱۲۷)
 محرمی کو که فرستم بتو پیغامی چند (۱۵۹)
 و آهنگ مکر با فلک حقه باز کرد (۱۱۵)

- (۷۱) یاد باد آنک ز ما وقت سفر یاد نکرد
 (۷۲) دلبر برفت و دلشدگانرا خیر نکرد
 (۷۳) نقدها را بود آیا که عیاری گیرند
 (۷۴) بآب روشن می عارفی طهارت کرد
 (۷۵) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
 (۷۶) ای هسته تو خنده زده بر حدیث قند
 (۷۷) هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد
 (۷۸) شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد
 (۷۹) از سر کوی تو هر کو سلامت برود
 (۸۰) چو دست در سر زلفش زخم بتاب رود
 (۸۱) خوشا کسی که مدام از پی نظر نرود
 (۸۲) مژده ای دل که مسیحانقی می‌آید
 (۸۳) رسید مژده که آمد بهار و سیزه دمید
 (۸۴) معاشران گره زلف یار باز کنید
 (۸۵) اگر روم ز پیش فتنها برانگیزد
 (۸۶) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
 (۸۷) نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید
 (۸۸) گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید
 (۸۹) اگر بباده مشکین کشد دلم شاید
 (۹۰) روشنی طلعت تو ماه ندارد
 (۹۱) دلا بساز که سوز تو کارها بکند
 (۹۲) طایر دولت اگر باز گذاری بکند
 (۹۳) گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
 (۹۴) نه هر که چهره برافروخت دلبری داند
 (۹۵) نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد
 (۹۶) اگر نه باده غم دل زیاد ما ببرد
 (۹۷) در نماز خم ابروی تو با یاد آمد
 (۹۸) صبا به تهیت پیر می‌فروش آمد
 (۹۹) سحرآمیز دولت بیدار ببالین آمد
 (۱۰۰) همای اوج سعادت بدمام ما افتد
 (۱۰۱) پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد
- بوداعی دل غم [دیده] ما شاد نکرد (۱۲۳)
 یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد (۱۲۵)
 تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند (۱۶۲)
 علی‌الصباح که میخانه را زیارت کرد (۱۱۴)
 عشق پیدا شد و آتش بهمه عالم زد (۱۳۳)
 مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند (۴۳۷)
 خداهش در همه حال از بلا نگه دارد (۱۰۵)
 بسندۀ طلعت او باش که آنی دارد (۱۰۷)
 نرود کارش و آخر بخجالت برود (۱۹۸)
 ور آشتی طلبیم با سر عتاب رود (۱۹۷)
 بهر رهش که بخوانند بی‌خبر نرود (۱۹۹)
 که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید (۲۱۱)
 وظیفه گر برسد مصرفش گلست و نبید (۲۱۸)
 شبی خوشست بدین حلقه‌اش دراز کنید (۲۲۰)
 ور از طلب بنشینم بکینه برخیزد (۱۳۵)
 ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید (۲۰۷)
 فغان که بخت من از خواب در نمی‌آید (۲۱۲)
 گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید (۲۰۸)
 که بوی خیر ز زهد ریا نمی‌آید (۲۱۴)
 پیش تو گل رونق گیاه ندارد (۱۰۹)
 نیاز نیم‌شبی دفع صد بلا بکنند (۱۶۷)
 یار بازآید و با وصل قرار ی بکنند (۶۸۹)
 ایزد گشته بسبخشد و دفع و با کند (۱۶۳)
 نه هر که آینه سازد سکندری داند (۱۵۶)
 بختم ار یار شود رختم ازینجا ببرد (۱۱۱)
 نهیب حادثه بنیاد جان ما ببرد (۱۱۰)
 حالتی رفت که محراب بفریاد آمد (۱۵۲)
 که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد (۱۵۴)
 گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد (۱۵۵)
 اگر سراگذری بسر مقام ما افتد (۹۸)
 و آن راز که در دل بنهفتم بدر افتاد (۹۳)

- (۱۰۲) جمالش آفتاب هر نظر باد ز خوبی روی خوبش خوبتر باد (۱۰۰-تصحیح خانلری)
- (۱۰۳) روز وصل دوستداران یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد (۸۸)
- (۱۰۴) حسن تو همیشه در فزون باد رویت همه ساله لاله‌گون باد (۴۳۰)
- (۱۰۵) آنک رخسار ترا زیب گل و نسرين داد صبر و آرام تواند بمن مسکین داد (۹۵)
- (۱۰۶) ترسم که اشک بر غم ما پرده در شود وین راز سر بمهر بعالم سمر شود (۲۰۱)
- (۱۰۷) بحسن و خلق و وفا کس بیار ما نرسد ترا درین سخن انکار کار ما نرسد (۱۳۶)
- (۱۰۸) گذاخت جان که شود کار دل تمام و نشد بسوختم درین آرزوی خام و نشد (۱۰۵)
- (۱۰۹) روز هجران و شب فرقت یار آخر شد زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد (۱۴۶)
- (۱۱۰) ستاره بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را رفیق و مونس شد (۱۴۷)
- (۱۱۱) حافظ خلوت‌نشین دوش بمیخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمان شد (۱۴۹)
- (۱۱۲) یاری اندر کس نمی‌بینیم یار ترا چه شد دوستی کی آخر آمد دوستداران ترا چه شد (۱۴۸)
- (۱۱۳) هر کرا با خط سبزت سر سودا باشد پای از دایره بیرون نهد تا باشد (۱۳۷)
- (۱۱۴) نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد ای بسا خرقه که شایسته آتش باشد (۱۳۹)
- (۱۱۵) خوشست خلوت اگر یار یار من باشد نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد (۱۴۰)
- (۱۱۶) خوش آمد گل وزان خوشتر نباشد که در دستم بجز ساغر نباشد (۱۴۳)

اختلاف ضبط‌های نسخه با چاپ نیساری

- غزل ۱۳۲: ۱/۲: از کجاست؛ ۵/۲: چراغ مژده [کذا]؛ ۸/۲: کدام خواب [بدون «و»].
- غزل ۳: ۱/۲: دردا که درد پنهان؛ ۵/۱: جام جمست؛ ۷/۲: با دشمنان مروّت با دوستان مدارا؛ ۱۰/۱: در عیش کوش؛ ۱۱/۱: خوبان پازسی‌گو؛ ۱۱/۲: ساقی بشارتی ده.
- غزل ۵: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۵، ۸، ۶، ۹)؛ ۱/۲: هندوش؛ ۲/۲: کاتب ردیف
«را» را جا انداخته در حالی که معروف، در کتابت این جُنگ، عادت ندارد ردیف‌ها را
نویسد؛ ۳/۱: لولیان خوب؛ ۳/۲: چنان بردند صبر و دل؛ ۷/۱: گوی و راز دهر کمتر جوی.
- غزل ۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۴، ۵، ۳، ۶، ۷، ۸) (ابیات ۲ و (۹) را ندارد)؛ ۷/۱: حق نعمتست.

(۱۳) شماره غزل‌ها، چنان‌که گذشت، بر اساس چاپ نیساری است: دیوان حافظ بر اساس چهل و هشت نسخه خطی سده نهم، سینانگار و اسرار دانش، تهران ۱۳۷۷، دو جلد (در یک مجلد). شماره بیت (عدد سمت چپ) و مصراع (عدد سمت راست) را نیز مشخص کرده‌ام.

غزل ۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵/۱ و ۶/۲، ۸، ۹) (۵/۲ و ۶/۱، ۷ و (۱۰) را ندارد)؛ ۴/۲: خاک با سر نقش باقی جام را [کذا؛ در نسخه‌ای که کاتب از روی آن کتابت کرده، گویا «نافرجام» بدون نقطه بوده و معروف بغدادی آن را، به اشتباه، «باقی جام» خوانده و نوشته است.]؛ ۵/۱: درد و آه؛ ۸/۲: ماه سیم اندام؛ ۹/۲: تاییبی منتهای کام را.
غزل ۹: (ابیات ۹ و (۱۱) را ندارد)؛ ۵/۲: در سر و کار؛ ۶/۲: نخرد / بخرد [دندانۀ اول نقطه ندارد و به هر دو صورت خوانده می‌شود.]؛ ۷/۱: آخر مشکئی؛ ۸/۲: کان؛ ۱۰/۱: و حالی خوش باش.

غزل ۱۰: (بیت ۶ را ندارد)؛ ۱/۲: بنام ما [به جای «به کام ما»]؛ ۸/۲: یاد نیارد.

غزل ۱۴: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۸، ۹، ۶، ۷، ۱۰) (ابیات ۴ و ۵ را ندارد)؛ ۲/۱: ازین فکر؛ ۲/۲: منزل و ماو [۱] گه خوابت؛ ۳/۲: تدبیر ثوابت؛ ۶/۱: جز ناله و فریاد [کذا؛ به جای «هر ناله و فریاد»].

غزل ۱۵: (ابیات ۵ و (۱۱) را ندارد)؛ ۱/۲: بقصد خون من؛ ۲/۱: خوش شدی بچمن؛ ۴/۲: سحر [کذا؛ به جای «سمن»]؛ ۶/۱: طره مفتول را گره می‌زد؛ ۶/۲: تا میان انداخت؛ ۸/۱: خرقه می‌پوشم.

غزل ۱۸: (ابیات (۹) و (۱۰) را ندارد)؛ ۵/۲: ملامت‌گر بدکار؛ ۷/۲: بی‌یار مهیا نشود.

غزل ۲۰: (بیت (۱۱) را ندارد)؛ ۱: سخن‌شناس نه دلبر [۱] خطا اینجاست / چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست؛ ۶/۱: می‌پزم هیهات؛ ۶/۲: حر شبه [کذا؛ ندانستم چیست.]؛ ۷/۲: بشویند؛ ۸/۱: پیر مغانم؛ ۹/۲: هنوز پرز هواست؛ ۱۰/۱: عشق تو دی‌شب؛ ۱۰/۲: فضای سینه هنوزم ز شوق پر ز صداست.

غزل ۲۲: (ابیات (۱۰) و (۱۱) را ندارد)؛ ۲/۱: مرزید [نسخه‌بدل نادر و کم‌بسامد و البته بسیار قابل توجه]؛ ۳/۲: نقش سراپست؛ ۶/۱: با لطف [کذا]؛ ۶/۲: آتش اشک؛ ۷/۱: بگذاریم؛ ۸/۱: راه نصیحت؛ ۸/۲: کین خانه.

غزل ۲۴: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، (۹)، ۳، ۴، ۵، ۶، (۱۰)، ۷، ۸)؛ ۶/۱: بار محنت.

غزل ۲۵: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، (۱۱)، ۱۰) (ابیات ۸ و ۹ را ندارد)؛

۵/۱: می دهند صغیر؛ ۷/۱: مخو [کذا؛ به جای «مجو»] / جهان سست آباد؛
۱۰/۲: سست عهد.

غزل ۲۶: ۲/۱: نازنین پسر؛ ۴/۲: بدین درست؛ ۵/۲: ما را ز خودفروشی [کذا؛
به جای «بازار خودفروشی»]؛ ۷/۱: عشق وین عجب؛ ۸/۱: آن باد؛ ۹/۲: الله و اکبر
[کذا]؛ ۱۰/۱: ما آب و روی [کذا]؛ ۱۱/۱: حافظ روان چو شاخ نیابست؛ ۱۱/۲: دلپذیر
از [کذا؛ به جای «دلپذیرتر از»].

غزل ۲۹: ۲/۱: راه بستان گیر؛ ۲/۲: بحث کشف و کشفافت؛ ۳/۲: صید [کذا؛
به جای «صیت»]؛ ۶/۱: خیال هم کاری.

غزل ۳۰: ۱/۲: می ناب؛ ۶/۲: زهره و حمل؛ ۷/۱: بهیج روی؛ ۷/۲: چنانک.

غزل ۳۵: (ابیات ۶، ۹) و (۱۰) را ندارد؛ ۸/۲: خسرو و شیرین من است.

غزل ۳۶: (بیت (۸) را ندارد)؛ ۲/۱: چنگ و صبح؛ ۲/۲: نوای مرغ سحر؛ ۳/۲: گدای
خاک در دوست؛ ۴/۱: مسجد و بتخانه ام؛ ۵/۱: بدین آستان؛ ۷/۲: ادب باش / گواه
منست [کذا؛ به جای «گناه»].

غزل ۳۷: ۶/۱: ازوز باده بدان راحتی رسان ساقی [کذا]؛ ۷/۲: کنار و دامن.

غزل ۳۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، (۹)، ۶، ۷، ۸)؛ ۵/۱: روی تو.

غزل ۳۹: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹)؛ ۲/۱: که کرده؛ ۶/۲: بر تن؛
۸/۱: هجر تو ولیکن.

غزل ۴۰: (بیت (۸) را ندارد)؛ ۱/۱: زلفت؛ ۱/۲: چاره گه [کذا؛ به جای «چاره گر»]؛
۲/۱: تا هر کسی بیوی؛ ۲/۲: بگشود نافه را و؛ ۴/۲: در کدو گرفت [کذا]؛ ۵/۱: چه نوحه
کرد صراحی؛ ۶/۱: در حالت سماع؛ ۶/۲: ها و هو.

غزل ۴۱: (ترتیب ابیات: ۱، (۸)، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷) (ابیات ۲ و (۹) را ندارد)؛ ۵/۲: چو
عهد / زلف و [کذا].

غزل ۴۵: ۱/۲: که به پیمان شکنی؛ ۴/۱: اینجا؛ ۵/۱: از نرگس؛ ۷/۲: نیست بجز باد

بدست.

غزل ۴۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) (بیت (۱۰) را ندارد)؛ ۴/۱: خط ساقی؛
 ۶/۱: امان بخواست؛ ۷/۱: ز دست کوکب؛ ۹/۱: حدیث حافظ و پنهان که می‌زند می‌تاب.

غزل ۴۹: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷)؛ [بدون اختلاف].

غزل ۴۹ (مکژر): (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷)؛ ۳/۲: سر این نکته.

غزل ۵۰: (ترتیب ابیات: ۱، (۹)، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸) (ابیات ۷، (۱۰) و (۱۱) را ندارد)؛
 ۲/۱: ما قامت [کذا]؛ ۵/۱: گذشت نوبت [کذا؛ بدون «واو»]؛ ۶/۲: یمن همت.

غزل ۵۱: ۱/۱: آستانه تست؛ ۱/۲: در دراکه فرود آ که خانه خانه تست [کذا]؛
 ۸/۱: بلرزد.

غزل ۵۲: (ابیات ۷ و ۸ را ندارد)؛ ۴/۱: رند سوزم بس [کذا]؛ ۴/۲: درین آستانه خاک
 و سیوست؛ ۵/۲: غالیه ساگشت و.

غزل ۵۳: (بیت (۹) را ندارد)؛ ۱/۱: آن پیک؛ ۱/۲: بوی جان ز خط؛ ۲/۲: تا در طلب دلم
 شود امیدوار دوست؛ ۳/۲: زین نقد کم عیار که؛ ۵/۲: بر اثر اختیار؛ ۸/۱: به گرد حافظ.

غزل ۵۶: ۳/۲: دران دیار هزاران؛ ۷/۲: هم قصه غریب و.

غزل ۵۷: (بیت (۹) را ندارد)؛ ۲/۲: بسوخت دیده ز حیرت؛ ۴/۱: کسی نمی‌چیند؛
 ۷/۲: ساغر حلییست.

غزل ۵۹: (بیت ۷ را ندارد)؛ ۵/۱: [«نهانی» را کاتب از قلم انداخته]؛ ۶/۱: روی و
 عارض و خط؛ ۸/۱: باستان؛ ۹/۱: کرشمه حسنش.

غزل ۶۰: ۳/۱: لب ما؛ ۳/۲: پیمان ده و پیمانه [کذا]؛ ۴/۱: این شمع؛ ۵/۱: می‌دهد هر
 کسش؛ ۶/۱: این.

غزل ۶۱: ۲/۲: دید گمان [«و» ندارد]؛ ۵/۲: بران نکته.

غزل ۶۲: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳) (ابیات ۱۰، (۱۳) و (۱۴)
 را ندارد)؛ ۱/۲: که دامی ز بلا نیست؛ ۳/۱: روی ریا نیست؛ ۶/۱: زلف میارای که؛
 ۷/۲: نور و ضیا؛ ۸/۱: اثر ذکر جمیل.

غزل ۶۳: (بیت ۶ را ندارد)؛ ۲/۱: احرام حرام حرمت؛ ۲/۲: خون دل ما اثری ظاهر؛
۳/۲: طالب سدره؛ ۴/۱: عاشق مفلست از قلب دلت کرد نثار؛ ۴/۲: در نقد؛ ۵/۱: سرو
بلندت نرسد [کذا]؛ ۷/۱: آهی بکنم.

غزل ۶۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۳، ۵، ۲، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹)؛ ۲/۲: ناله و [کذا]؛ ۳/۲: کزین
نهم [کذا] / رسم و راهی نیست؛ ۴/۱: بزند آتشم؛ ۵/۱: سهی قدم؛ ۶/۱: هر چه خواهی
باش؛ ۸/۱: چنانک از همه سو؛ ۹/۲: هر گدایی [کذا]؛ به جای «هر سیاهی».

غزل ۶۹: ۱/۱: برگ گلی خوش‌بوی؛ ۲/۱: گفتمش در عین وصلی ناله و فریاد
چیست؛ ۷/۱: ادوار سیر؛ ۸/۱: زیر قصر بام آن.

غزل ۷۰: ۱/۲: از دل ما؛ ۲/۱: یارب مگیر اگرچه؛ ۵/۱: بگوی؛ ۵/۲: ای کار ما مکن
[کذا]؛ ۶/۱: هر راه روکه.

غزل ۷۱: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۴، ۵، ۳، ۶، ۷) (ابیات (۸)، (۹) و (۱۰) را ندارد)؛
۷/۱: روز ازل.

غزل ۷۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۴، ۵، ۳، ۶، ۸، ۷)؛ ۲/۱: گلچهره برفروخت؛ ۵/۱:
زهار ازان؛ ۶/۱: در مه و خور جلوه می فروخت؛ ۷/۱: آموختی که بخت.

غزل ۷۸: (بیت (۱۱) را ندارد)؛ ۵/۱: درکنار؛ ۶/۱: عشق ساغر و می؛ ۱۰/۱: ز زخم تو [کذا].
غزل ۷۹: (ابیات ۴ و ۹ را ندارد)؛ ۳/۱: پرسم راست؛ ۶/۲: بترک تو خو کرد و
ترک درمان گفت؛ ۸/۲: که با جان گفت [کذا].

غزل ۸۰: ۸/۲: نیازست نهفت [کذا]؛ به جای «نیارست».

غزل ۸۲: (ابیات ۶، ۷، (۱۰) و (۱۱) را ندارد)؛ ۲/۲: باستان وفا.

غزل ۸۳: (ابیات ۷، (۹) و (۱۰) را ندارد)؛ ۱/۲: بجان دوست دارم؛ ۶/۱: درکنار؛
۸/۱: شاهد و ساقی.

غزل ۸۵: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، (۱۰)، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) (بیت (۱۱) را ندارد)؛
۲/۱: که کردیم؛ ۲/۲: آبی نمی دهد کس؛ ۷/۱: جز حیرتم؛ ۸/۱: صورت نمی توان بست؛
۹/۱: از خود [کذا].

غزل ۸۸: ۴/۲: دور باد [کذا؛ به جای «یاد باد»]؛ ۶/۱: ناگفته شد.

غزل ۹۳: (بیت (۹) را ندارد)؛ ۵/۱: با تیغ [کذا]؛ ۵/۲: بس کشته دل و دیده که.

غزل ۹۵: ۱/۱: زیب گل.

غزل ۹۸: ۴: ملوک را چوره خاکبوس این در نیست / کی التفات جواب سلام ما افتد؛
 ۸/۱: هر دم که دم زند.

غزل ۱۰۵: (ترتیب ابیات: ۱، ۳، ۵، ۷، ۴، ۸) (ابیات ۲، ۶، ۹) و (۱۰) را ندارد؛
 ۳/۱: معشوقه؛ ۵/۱: ز درد دوست نگویم حدیث جز با دوست؛ ۷/۲: صحبت و مهر و وفا.

غزل ۱۰۷: (بیت ۹ را ندارد)؛ ۱/۲: او باش؛ ۱۰/۲: بیانی و زبانی دارد.

غزل ۱۰۹: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۵، ۷، ۶، ۴، ۸، ۹) (ابیات ۳ و (۱۰) را ندارد)؛
 ۵/۱: دیده‌ام آن چشم.

غزل ۱۱۰: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۴، ۷)؛ ۱/۲: بنیاد جان ما ببرد؛ ۲/۱: اگر نه؛
 ۲/۲: چگونه رخت ازین؛ ۳/۱: که کس نبود که؛ ۴/۲: مباد کاتش این خاک آب ما ببرد.

غزل ۱۱۱: (ابیات ۷، ۸، (۱۰) و (۱۱) را ندارد)؛ ۶/۱: بجل سال دلم جمع آورد؛
 ۶/۲: نرگس مستانه؛ ۹/۲: بپرداز بهل [«و» ندارد].

غزل ۱۱۲: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۶، ۵، (۱۰)، ۹)؛ ۲/۲: بکارم [البته بدون
 نقطه] مبتلا کرد؛ ۴/۱: خوشت باد ای نسیم؛ ۵/۱: بافغان؛ ۶/۱: کشیده زلف؛ ۶/۲: قبا
 چون غنچه؛ ۹/۲: زهد و ریا؛ ۱۰/۱: خواجگان ملک.

غزل ۱۱۳: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، بیت ۳ از غزل ۱۱۴، بیت ۴ از غزل ۱۱۴، ۵، ۶، ۸)؛
 (ابیات ۴، ۹) و (۱۰) را ندارد)؛ ۴/۲ (از غزل ۱۱۴)؛ که کار دیده همه؛ ۵/۱: هست جوهر.

غزل ۱۱۴: (ابیات ۵، ۷، ۸، ۹) و (۱۰) را ندارد)؛ ۲/۱: همان که ساعد زرین خود
 نهان کردند؛ ۴/۲: که کار دیده همه.

غزل ۱۱۵: (ترتیب ابیات: ۱، ۳، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹)؛ ۱/۲: و آهنگ مکر؛ ۲/۱:
 بازی چرخ؛ ۳/۲: آمد دگر بجلوه و آغاز؛ ۴/۲: براه حجاز؛ ۶/۱: نداشت باخت؛ ۴/۲:
 ایزد بروی وی در معنی؛ ۸/۲: گربه زاهد؛ ۹/۲: ز زهد ربایی بناز کرد.

- غزل ۱۱۷: ۶/۱: خواهم کرد؛ ۷/۲: طریق و رندی و عشق استوار خواهم کرد.
- غزل ۱۱۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰)؛ ۴/۱: نتوان خواند؛ ۹/۱: چه بگویم که ترا.
- غزل ۱۱۹: (ابیات ۵، ۶ و ۷ را ندارد)؛ ۲/۱: سحر پنهانیم در قصد؛ ۳/۲: که با ما.
- غزل ۱۲۰: ۲/۱: وه ازان؛ ۴/۲: وه که با طالع مجنون [کذا؛ گویا ذهنیت کاتب در نوشتن بیت قبلی باعث شده سهواً «خرمن» را «طالع» بنویسد.]؛ ۶/۱: زدی دایره.
- غزل ۱۲۳: (بیت ۴ را ندارد)؛ ۱/۲: غم ما [کذا؛ به جای «غم دیده ما»]؛ ۳/۱: عنبرین جامه به خوناب؛ ۷/۲: هر کر [کذا] / بدان؛ ۸/۱: راه حجاز.
- غزل ۱۲۵: (بیت (۷) را ندارد)؛ ۴/۲: نقش نیک [کذا]؛ ۵/۱: دلرا اگرچه بال و پراز غم شکسته بود؛ ۵/۲: سودای دام.
- غزل ۱۲۶: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۶، ۱۰، ۱۱) (ابیات ۳، ۷ و ۹ را ندارد)؛ ۱/۲: وانچه؛ ۲/۲: لب دریا؛ ۶/۱: گفتم آن یار؛ ۱۱/۱: گفتمش زلف چو زنجیر بتان از پی چیست؛ ۱۱/۲: از شب یلدا می‌کرد.
- غزل ۱۲۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۵، ۴، ۶، ۷، ۹، ۸، ۱۰) (ابیات ۳ و ۱۱) را ندارد)؛ ۱/۱: رو بما آورد؛ ۷/۱: دل من؛ ۷/۲: ازین سبب که طیب.
- غزل ۱۳۳: [بدون هیچ اختلافی].
- غزل ۱۳۵: (بیت (۸) را ندارد)؛ ۳/۱: طمع نیم بوسه؛ ۶/۱: عمر خواه و صبوحی؛ ۶/۲: هزار طرفه ازین بازی تر برانگیزد [کذا]؛ ۷/۱: سر مته حافظ.
- غزل ۱۳۶: (بیت ۵ را ندارد)؛ ۴/۱: ز کلک صنع ولی.
- غزل ۱۳۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۴، ۷)؛ ۱/۲: پای از دایره بیرون نهد؛ ۳: تو خود ای گوهر یکدانه کجایی آخر / کز غمت دیده مردم همه دریا باشد؛ ۵/۱: آب روا نیست؛ ۶/۱: در آ؛ ۷/۱: ادبار [کذا؛ به جای «از ناز»].
- غزل ۱۳۹: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۶، ۴، ۵، ۷)؛ ۲/۱: ورد سحرش؛ ۵/۱: دینی دنی.

غزل ۱۴۰: ۶/۱: نمی‌رود آری.

غزل ۱۴۳: (ابیات ۱۰)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) را ندارد؛ ۱/۲: دستم؛ ۴/۱: بر لعل؛
۵/۱: در خم خانه ما.

غزل ۱۴۶: (ابیات ۴، ۹)، (۱۰) و (۱۱) را ندارد؛ ۳/۲: شوکت یار؛ ۵/۱: شبهای دراز
از غم دل؛ ۶/۱: ایام و هنوز؛ ۶/۲: در دولت یار؛ ۸/۲: محنت بی حد و شمار.

غزل ۱۴۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۰)، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹؛ ۷/۱: شرابی بعاشقان
فرمود؛ ۷/۲: که عشق بیخبر؛ ۸/۱: مگردانید؛ ۹/۱: نظم من.

غزل ۱۴۸: ۲/۲: خون چکید از شاخ گل باد؛ ۳/۲: افتاد و یارنرا؛ ۴/۱: مهر تابان این دیار.
غزل ۱۴۹: (بیت ۳ را ندارد)؛ ۸/۲: دل سوی دلدار.

غزل ۱۵۰: (بیت ۹) را ندارد؛ ۲/۲: خراب و جهانی؛ ۳/۱: جست و جوی؛ ۸/۱: از
سر مهر.

غزل ۱۵۲: ۲/۱: صبر دل و هوش؛ ۲/۲: کان تجمل؛ ۵/۱: منمای؛ ۸/۱: غزلی چند
بخوان؛ ۸/۲: تا بگویم که.

غزل ۱۵۴: ۸/۲: مستی زهد و ریا.

غزل ۱۵۵: [بدون هیچ اختلافی].

غزل ۱۵۶: (ابیات ۵، ۷ و ۱۱) را ندارد؛ ۲/۲: آئین دلبری؛ ۴/۱: وفا و عهد؛ ۸/۲: که
با گدا صفتی؛ ۱۰/۱: کسی بود؛ ۱۰/۲: که لطف نظم سخن گفتن دری داند.

غزل ۱۵۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰) (ابیات ۹ و ۱۱) را ندارد؛
۳/۱: می‌زند خود را؛ ۴/۱: که نقش؛ ۵/۲: که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند؛
۸/۱: نبشته‌اند.

غزل ۱۵۹: (ابیات ۴ و ۹ را ندارد)؛ ۲/۱: مقصد اعلی؛ ۷/۲: چشم انعام مدارید ازین
عامی چند [کذا؛ ذهنیت قبلی کاتب در نوشتن بیت پیشین باعث بروز این سهواً القلم شده
است.]; ۸/۲: با عامی چند.

غزل ۱۶۰: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۴، ۸) (ابیات ۷، ۹)، (۱۰) و (۱۱) را ندارد؛
۴/۱: بعد ازین روی من آئینه صفت و صف جمال.

غزل ۱۶۱: (ابیات ۸) و (۹) را ندارد؛ ۴/۱: جنگ و هفتاد و دو ملت [کذا]؛ ۴/۲: در
افسانه زدن؛ ۵/۱: من و تو؛ ۶/۱: آتش او نیست / خندد صبح؛ ۷/۱: نکشد.

غزل ۱۶۲: (بیت ۸) را ندارد؛ ۵/۱: این پنجه طفلان چه دلیرست بخون؛ ۶/۱: شعر
خوش و؛ ۶/۲: خاصه وقتی که دران زلف.

غزل ۱۶۳: (بیت ۳ را ندارد)؛ ۱/۲: دفع ویا کند؛ ۴/۱: حقا که در زمان برسد؛ ۶/۱: ره
علم و عقل نیست.

غزل ۱۶۷: ۱/۱: دلا بساز که؛ ۲/۲: تلافی صد بلا.

غزل ۱۶۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۶، ۹)، (۸)؛ ۴/۱: دم زدن از چون و چرا.

غزل ۱۷۰: (بیت ۵ را ندارد)؛ ۸/۱: بیک پی خجسته.

غزل ۱۷۳: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۷، ۶، ۸، ۹، ۱۲) (ابیات ۱۰ و ۱۱ را
ندارد)؛ ۳/۲: بتصور کجا کنند؛ ۴/۱: حسن عافیت؛ ۶/۱: برون پرده؛ ۸/۱: می خور که
صد حجاب ز اغیار در گناه؛ ۱۲/۲: محال گدا [کذا؛ به جای «بحال گدا»].

غزل ۱۷۵: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۱)، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) (بیت ۱۰ را ندارد)؛
۲/۱: این شاخ؛ ۴/۱: گویی ببر؛ ۷/۲: این حکایتها؛ ۹/۱: از غصه حافظ کاهل راز.

غزل ۱۷۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۳، ۲، ۸، ۵، ۴، ۶، ۷، ۹) (بیت ۱۰ را ندارد)؛ ۵/۱:
درون در [کذا]؛ ۶/۱: صد آب رو بنیم نظر؛ ۸/۱: بر ثبات دهر؛ ۹/۱: می ده که شیخ و
واعظ و مفتی.

غزل ۱۷۹: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴/۱ و ۵/۲، ۵/۱ و ۴/۲، ۶، ۷)؛ ۲/۱: زاهد خود
را بستند؛ ۷/۱: تو ببینی روزی؛ ۷/۲: که چو زَنار.

غزل ۱۹۷: (ابیات ۷ و ۹ را ندارد)؛ ۲/۱: ره بیچارگان نظاره؛ ۴/۱: پر آشوب و
آفتست؛ ۱۰/۲: درین پرده.

غزل ۱۹۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶/۱ و ۷/۲، ۷/۱ و ۶/۲)؛ ۱/۱: سلامت
 برود؛ ۳/۱: معشوقه؛ ۵/۱: همه بر عاقبتست؛ ۶/۱: خدا.

غزل ۱۹۹: (بیت (۱۱) را ندارد)؛ ۱/۱: خوشاکسی که؛ ۳/۱: بشوی؛ ۶/۱: مکن بچشم
 حقارت نگاه در من مست.

غزل ۲۰۱: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰) (ابیات ۹، (۱۱)، (۱۲) و (۱۳)
 را ندارد)؛ ۵/۱: ای جان/ دلدار ما بگوی؛ ۱۰/۲: باد صبا را خبر شود.

غزل ۲۰۷: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۵، ۷)؛ ۳/۱: حکایت شب هجران نه آن
 شکایت حال است؛ ۶/۱: بسعی خود نتوان برد گوهر مقصود [کذا]؛ «ره به» را جا
 انداخته؛ ۷/۱: نسیم وصل تو.

غزل ۲۰۸: (بیت ۶ را ندارد)؛ ۵/۱: باغ حسن.

غزل ۲۱۱: (بیت ۸ را ندارد)؛ ۳/۲: اینجا؛ ۷/۱: خبر بلبل ازین باغ.

غزل ۲۱۲: ۲/۱: کویش؛ ۷/۲: برو برو ز تو این کار بر نمی آید.

غزل ۲۱۴: ۱/۱: کشد دلم شاید؛ ۲/۱: همه گو منع من کنید از عشق؛ ۵/۱: است و؛
 ۶/۲: هیچ در نمی آید.

غزل ۲۱۸: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، (۱۱) (ابیات ۹، (۱۲) و (۱۳) را
 ندارد)؛ ۶/۲: شیر نر بدوید.

غزل ۲۲۰: ۱/۱: گره زلف یار؛ ۱/۲: بدین حلقه‌اش [که بسیار ضبط قابل توجهی
 است.]; ۷/۲: برو بمرده [کذا].

غزل ۴۲۷: ۱/۲: خبر دل نهفتم؛ ۲/۲: از رقیبان شنفتم؛ ۴/۱: دردانه چنین؛
 ۵/۱: فرمای.

غزل ۴۳۰: (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳/۱ و ۴/۲، ۴/۱ و ۳/۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹)؛
 ۲/۱: خیالت عشقت [کذا]؛ ۵/۱: عقلی که نه؛ ۸/۱: هر جا که نباشدش سر هجر.

غزل ۴۳۷: (ابیات ۲ و ۶ را ندارد)؛ ۳/۱: نداند که دم زند؛ ۴/۱: ار طیره.

غزل «ز ۳» (ص ۵۳۰ چاپ نیساری): (ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶) (ابیات ۳ و ۷ را ندارد)؛ ۴/۱: بدان؛ ۵/۲: چرخ هفتمش هفتم زمین.

غزل شماره ۱۰۰ چاپ خانلری به مطلع

جمالش آفتاب هر نظر باد ز خوبی روی خویش خویتر باد^{۱۴}

(ترتیب ابیات: ۱، ۲، ۳/۱ و ۴/۲، ۵، ۶، ۷، ۸) (۳/۲ و ۴/۱ را ندارد)؛ ۵/۱: بتا تا غمزه‌ات.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۴) بنا بر پژوهش دکتر نیساری، این غزل از ناصر بجه‌ای است. از این رو، استاد آن را وارد دیوان حافظ نکردند (← دیوان حافظ، چاپ نیساری، ص ۶۱۷. درباره انتساب این غزل به ناصر بجه‌ای، همچنین ← محمود مدبری، «دیوانچه ناصر بجه‌ای»، نامواره دکتر محمود افشار، گردآورنده: ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان، ج ۹، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۷۵، ص ۵۲۶۸). با این همه، این غزل را به ناچار با جایی معتبر (چاپ خانلری) مقایسه کردم و نتیجه مقایسه آمده است.